



زنانِ مهاجر و امنیت انسانی

با نگاهی به مسائل مهاجران افغانستانی در ایران

دکتر آناهیتا سیفی

«عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی»

دکتر نجمه رزمخواه

«عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور»

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتابخوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد

1. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2696>

شده است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده اند.

دانشگاه پیام نور با گستره جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه جا و همه وقت، به عنوان دانشگاهی کتاب محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره گیری از تجربه های گرانقدر استادان و صاحب نظران برجسته کشورمان، کتاب ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می رسانند، سپاسگزاری می نمایم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام نور را منزلگاه اندیشه سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام نور

فهرست مطالب

نه	مقدمه
۱	فصل اول: مهاجرت و امنیت انسانی
۱	مقدمه
۱	مبحث اول: امنیت انسانی
۴	گفتار اول: امنیت انسانی از دیدگاه برنامه توسعه ملل متحد
۵	گفتار دوم: تفاسیر مختلف از مفهوم امنیت انسانی
۶	بند اول: تفسیر مضیق
۷	بند دوم: تفسیر موسع
۹	بند سوم: تلفیق دیدگاه‌ها
۱۰	گفتار سوم: ابعاد امنیت انسانی
۱۰	بند اول: امنیت جامعه
۱۱	بند دوم: امنیت شخصی
۱۲	بند سوم: امنیت سیاسی
۱۲	بند چهارم: امنیت اقتصادی
۱۲	بند پنجم: امنیت غذایی
۱۳	بند ششم: امنیت بهداشتی
۱۵	بند هفتم: امنیت زیست‌محیطی
۱۵	مبحث دوم: رابطه امنیت انسانی و حقوق بشر
۱۷	گفتار اول: همپوشانی امنیت انسانی و حقوق بشر
۲۵	گفتار دوم: رویکرد امنیت انسانی در مواجهه با پدیده مهاجرت
۲۷	گفتار سوم: سیاست‌های مهاجرت و امنیت انسانی
۳۱	فصل دوم: زنان مهاجر و حقوق بین‌الملل بشر
۳۱	مقدمه

۳۲	مبحث اول: استراتژی‌های حمایت از زنان مهاجر در چارچوب حقوق بین‌المللی بشر
۳۲	گفتار اول: کنوانسیون‌های بین‌المللی
۳۳	بند اول: کنوانسیون حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها
۳۴	بند دوم: کنوانسیون کارگران مهاجر سازمان بین‌المللی کار
۳۴	بند سوم: کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷
۳۵	بند چهارم: کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان
۳۷	بند پنجم: قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد
۳۷	گفتار دوم: حق بر سلامت زنان مهاجر
۴۳	بند اول: مهاجرت امن، منظم و قاعده‌مند در پرتو پیمان جهانی مهاجرت ۲۰۱۸
۴۶	بند دوم: برنامه سازمان بهداشت جهانی در زمینه ارتقای سلامت مهاجران ۲۰۱۹-۲۰۲۳
۴۸	مبحث دوم: سیاست‌های مهاجرتی و جنسیت
۴۸	گفتار اول: سیاست‌ها و استراتژی‌های ملی و منطقه‌ای
۵۰	بند اول: استراتژی کشورهای مبدأ
۵۰	بند دوم: استراتژی کشورهای مقصد
۵۱	بند سوم: ارتقای همکاری جنوب - جنوب و جنوب و شمال در تمام زمینه‌های مهاجرت
۵۲	گفتار دوم: سیاست‌ها و رویکرد سازمان‌های فعال در حوزه بشردوستانه و توسعه
۵۴	مبحث سوم: چالش‌ها و راهکارهای توسعه سیاست‌های جنسیتی مهاجرت
۵۵	گفتار اول: شکاف بین سیاست و عمل
۵۷	گفتار دوم: داده‌ها به تفکیک جنسیت
۵۸	گفتار سوم: چالش‌های سیاست‌های جنسیتی مهاجرت در راستای تحقق حق بر سلامت
۶۱	بند اول: چالش‌های موجود در فرایند تنظیم مقررات حق بر سلامت
	بند دوم: عدم وجود ضمانت اجرایی کافی و مؤثر در حمایت از حق بر سلامت مهاجران و
۶۱	هزینه‌بر بودن ارائه خدمات برای دولت‌های میزبان
۶۳	فصل سوم: علل و پیامدهای زنانه شدن مهاجرت: با تأکید بر زنان مهاجر افغانستانی
۶۳	مقدمه
۶۴	مبحث اول: زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی
۶۶	گفتار اول: علل مهاجرت زنان
۶۸	بند اول: مهاجرت زنان و دختران ناشی از برخی هنجارهای جنسیتی
۷۱	بند دوم: مهاجرت ناشی از نزاع و درگیری‌ها
۷۱	گفتار دوم: پیامدهای زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی
۷۶	مبحث دوم: زنان مهاجر افغانستانی در ایران
۸۱	گفتار اول: چالش‌های زنان مهاجر افغانستانی
۸۵	گفتار دوم: سیاست‌گذاری مهاجرتی ایران
۸۷	مبحث سوم: آثار و تبعات حضور مهاجرین افغانستان در ایران و توصیه‌های سیاست‌گذاری
۸۷	گفتار اول: سیاست‌های ایران در میزبانی از مهاجران افغانستانی
۸۷	بند اول: سیاست درهای باز

۸۹	بند دوم: سیاست بازگشت داوطلبانه و اخراج مهاجرین غیرمجاز
۸۹	بند سوم: دسترسی بیشتر و تلاش بر ساماندهی مهاجران غیرمجاز
۹۱	بند چهارم: سیاست دسترسی به پناهندگی و اقامت
۹۳	گفتار دوم: چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرین افغانستانی در ایران
۹۳	بند اول: آموزش
۹۷	بند دوم: خلأ حمایت قانونی از مهاجرین غیرمجاز
۹۸	بند سوم: چالش‌های ازدواج بین فرهنگی
۹۹	بند چهارم: چالش‌های دسترسی مهاجران به خدمات سلامت
۱۰۴	بند پنجم: ویژگی‌ها و شرایط کار دستمزدی خانگی
۱۰۶	بند ششم: ناامنی غذایی
۱۰۹	نتیجه‌گیری
۱۱۵	ضمائم
۱۳۹	منابع

مقدمه

مهاجرت بین‌المللی سابقه طولانی داشته و با برخی از وقایع مثل انقلاب تجاری و صنعتی، تغییرات جوامع سنتی، پدیده استعمار، پیشرفت فناوری، آموزش مدرن، بحران‌ها و وقوع جنگ‌ها و دیگر عوامل ارتباط داشته و منجر شده تا مهاجرت‌های بین‌المللی افزایش یابد. بنابراین در اکثر موارد، مهاجرت‌ها خودخواسته نبوده و ضرورت‌های اقلیمی، سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی افراد را مجبور به مهاجرت نموده است. مهاجرت به‌طور اجتناب‌ناپذیر با موضوعات جهانی از جمله، توسعه، فقر و حقوق بشر در ارتباط است.

یکی از مهم‌ترین تحولات مهاجرتی در دهه‌های اخیر ورود زنان در فرآیند مهاجرتی و افزایش مهاجرت مستقل زنان است که زنانه شدن مهاجرت نامیده می‌شود. کاستلز و میلر^۱ به ظهور عصر مهاجرت اشاره داشته و از پدیده‌هایی نظیر جهانی‌شدن مهاجرت، تسریع و شتاب مهاجرتی، تفکیک و تمایزپذیری مهاجرت، زنانه شدن مهاجرت و سیاست‌های مهاجرتی به‌عنوان پنج ویژگی اصلی عصر مهاجرت^۲ نام برده‌اند. سهم جمعیت زنان مهاجر در هر دو نوع مهاجرت داخلی و بین‌المللی افزایش چشمگیری یافته است. در این راستا، تعدادی از زنان همراه با اعضای خانواده‌هایشان مهاجرت می‌کنند و تعداد زیادی نیز به‌تنهایی و مستقل مهاجرت می‌کنند. این پدیده

1. Castles&Miller

2. Migration Period

نگرانی‌های عمده‌ای را درخصوص سیاست‌های اساسی در زمینه امنیت، سلامت و حقوق زنان در فرآیند مهاجرت ایجاد کرده است. درک و فهم پیچیدگی‌های جنسیت و مهاجرت می‌تواند نقش مهمی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی که موجب افزایش مزایا و کاهش هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی برای زنان مهاجر می‌شود، داشته باشد. زنان با توجه به سهم قابل توجهشان در مهاجرت، نقش مهمی در سیاست‌گذاری در عرصه مهاجرت و مهاجرپذیری ایفا می‌کنند و توجه به شرایط آسیب‌پذیر آن‌ها امری ضروری است.

دغدغه اصلی نوشتار حاضر این است که با توجه به افزایش روزافزون مهاجرت بین‌المللی زنان و آسیب‌پذیری آن‌ها مخصوصاً در مهاجرت‌های اجباری و غیرمعارف، هنوز اطلاعات و آمارها، قوانین و سیاست‌های موجود در رابطه با ناامنی‌های این قشر آسیب‌پذیر کافی نیست. یکی از اهداف نوشتار بررسی علل و پیامدهای ناشی از زنانه شدن مهاجرت و نقد و بررسی سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی با رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده و درصدد بررسی و پاسخگویی به ابهام‌ها و پرسش‌های موجود در خصوص علل زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی، پیامدهای زنانه شدن مهاجرت، ماهیت رویکرد امنیت انسانی به مهاجرت، بالأخص حق بر سلامت زنان مهاجر و بالاخره نقاط ضعف و قوت راهکارهای موجود در زمینه کاهش آسیب‌های ناشی از زنانه شدن مهاجرت می‌باشد. در این راستا نگاهی نیز به شرایط زنان مهاجر افغانستانی در ایران و چالش‌ها دارد. رویکرد مبتنی بر امنیت انسانی، بر عوامل متعددی مثل محرومیت اقتصادی، سیاسی، آزار و اذیت، تمایز بین مهاجران داوطلبانه و اجباری و برجسته کردن این چالش‌ها تأکید دارد. بنابراین به‌جای تلاش برای مقابله با مهاجرت رویکرد مبتنی بر امنیت دولت‌شناسایی و کاهش تهدیداتی که منجر به مهاجرت‌های اجباری و غیرقانونی می‌شود را دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد دولت‌ها به‌جای تأکید بر امنیت دولت‌محور، بهتر است به امنیت انسانی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی توجه نمایند. در حوزه مهاجرت با هدف کاهش آسیب‌ها و افزایش فرصت‌های ناشی از زنانه شدن مهاجرت، باید سیاست‌های توسعه‌ای و قوانین مهاجرت منعکس‌کننده نیازهای مختلف زنان باشند. همکاری بین‌المللی باید، برای حمایت از حقوق زنان مهاجر با ارائه ارزشیابی سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی صورت گیرد. جنس و سن افراد نقش کلیدی در

مهاجرت بازی کرده و می‌تواند آن‌ها را با تجربه خشونت جنسی و یا نوع خاصی از استثمار نیروی کار و قاچاق انسان روبه‌رو می‌کند. مهاجرت زنان به‌عنوان کارگر، پناهنده، دانشجوی، شرکای تجاری و غیره می‌تواند محدودیت‌ها، فرصت‌هایی برای ایشان ایجاد کند.

هرچند که به‌زعم برخی از محققین، زنانه شدن مهاجرت می‌تواند چالش‌هایی برای زنان ایجاد کند لیکن در صورت وجود قوانین و سیاست‌ها مهاجرتی حساسی به مسائل جنسیتی می‌تواند به پیشبرد برخی از هنجارهای اجتماعی عادلانه، بهبود حقوق زنان و دسترسی به منابع جدید منجر شود. بسیاری از کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها و قوانین بین‌المللی در راستای حفاظت از حقوق مهاجران زن ایجاد شده است و کشورها اقداماتی برای بهبود وضعیت مهاجران و کاهش آسیب‌ها انجام داده‌اند. اما هنوز زنان مهاجر مخصوصاً آن‌هایی که به‌صورت غیرقانونی مهاجرت می‌کنند، با خطرات زیادی مواجه هستند. با این وجود می‌توان خطرات این مهاجرت‌ها را کاهش داد. این موضوع از طریق همکاری‌های ملی و بین‌المللی امکان‌پذیر است. دولت‌ها می‌توانند با تصویب و الحاق به معاهدات و کنوانسیون‌های ترویج حمایت از حقوق زنان مهاجر، با توافقات دو یا چندجانبه منطقه‌ای و استفاده از مشارکت همه ذی‌نفعان، آسیب‌های ناشی از زنانه شدن مهاجرت‌های بین‌المللی را کاهش داده و در راستای افزایش مهاجرت امن برای زنان قدم بردارند.

نجمه رزمخواه
razmkhah@pnu.ac.ir

آناهیتا سیفی
a.seifi@atu.ac.ir

فصل اول

مهاجرت و امنیت انسانی

مقدمه

تأسیس سازمان ملل متحد در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم قدم اول در یک فرایند طولانی است که به ظهور مدل امنیت انسان‌محور منجر شد. سازمان ملل بر اساس تساوی حاکمیت کلیه اعضای آن و اصل چندجانبه گرایی و یک سیستم امنیت دسته‌جمعی شورای امنیت با مسئولیت حفظ صلح و ثبات بین‌المللی تأسیس شد.^۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر که مدتی کوتاه پس از تأسیس سازمان ملل توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید شامل اصول و هنجارهایی است که معاهدات بعدی بین‌المللی و معاهدات حقوق بشر و عرف از آن الهام گرفته‌اند. اعلامیه نقش محوری در حمایت از تعریف انسان‌محور امنیت ایفا می‌کند.^۲ در حقیقت اعلامیه جهانی حقوق بشر زمینه را برای پارادایم امنیت انسانی آماده نمود.

مبحث اول: امنیت انسانی

در قالب فعالیت نهادهای تابعه سازمان ملل متحد، تأکید فزاینده‌ای بر امنیت انسانی صورت گرفته است. چالش‌های امنیتی مانند فقر، بیماری‌ها، محیط‌زیست، کمبود منابع و غیره که هرکدام به‌نوعی تهدیدکننده امنیت انسانی است. گزارش کمیسیون ملل متحد

1. Vietti, Francesca, (2013), "Human Insecurity: Understanding International Migration from a Human Security Perspective", Journal of Migration and Human Security, PP.17,18

2. Ibid, P.19.

در مورد اداره جهانی (۱۹۹۵) بر این نکته تأکید می‌کند که مسئولیت سازمان ملل نباید تنها به امنیت دولت‌های عضو آن محدود شود، بلکه سازمان ملل نسبت به امنیت افراد درون مرزهای دول عضو نیز مسئول است.^۱ تهدیدات امنیت انسانی عبارت‌اند از: تهدیدات اقتصادی و اجتماعی شامل فقر، بیماری‌های مسری و تخریب محیط‌زیست، تعارض میان کشورها، تعارضات داخلی شامل جنگ‌های داخلی، نسل‌کشی و سایر فجایع در مقیاس وسیع، تسلیحات هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک، تروریسم و جنایات سازمان‌یافته فراملی.

کوفی عنان^۲ دبیرکل وقت سازمان ملل متحد نیز در گزارش خود تحت عنوان «با آزادی بیشتر به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» با رجوع به تهدیدات گسترده نسبت به امنیت، بر این مسئله تأکید می‌کند که در این درهم تنیدگی و وابستگی تهدیدها، باید به اجماع امنیتی جدیدی برسیم که نخستین ماده آن این باشد که همه سزاوار رهایی از ترس هستند و هر چیزی که یک نفر را تهدید کند همه را تهدید خواهد کرد. در سال ۲۰۰۳ کمیسیون امنیت انسانی^۳ به صورت مستقل و با حمایت ژاپن تأسیس شد. این کمیسیون گزارشی تحت عنوان وضعیت کنونی امنیت انسانی با هدف به اجرا درآوردن رویکردی توسعه محور منتشر کرد. این گزارش امنیت انسانی را به نفع عموم مردم اعلام نمود و کشورها و جوامع بین‌المللی را ملزم کرد، برای حفاظت و حمایت از مردم گرفتار و قدرت بخشیدن به آن‌ها با هم همکاری کنند.^۴ کوئیشیرو ماتسورا، مدیرکل یونسکو مفهوم امنیت انسانی را مرتبط با توسعه می‌داند و معتقد است که بدون توسعه بومی که بتواند فقر و محرومیت را از بین ببرد، دستیابی به صلح پایدار میسر نخواهد بود.^۵

۱. جوانشیری، احمد (۱۳۸۷)، «امنیت انسانی و مداخله بشردوستانه»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا، دانشگاه بیرجند، صص ۳۲۱، ۳۲۰. قابل دسترسی در سایت:

<http://www.birjand.ac.ir/ichswa/farsi.htm>

2. Annan, A. Kofi. (2004), A more Secure World: Our Shared Responsibility, United Nations Report of the High-Level Panel on Threats, Challenges and Change, United Nations (2004), Available at: <http://www.un.org/en/peacebuilding/pdf/historical/hlp-more-secure-world.pdf>. and see: United Nations Development Programme (UNDP), 1994, Human Development Report 1994, New Dimensions of Human Security. New York: Oxford University Press.

3. Commission on Human Security (CHS)

۴. تاج‌بخش، شهربانو، (۱۳۸۷)، «امنیت انسانی: نگاهی به گذشته پیش از نگاه به آینده»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا، ص ۵۶. قابل دسترسی در سایت: <http://www.birjand.ac.ir/ichswa/farsi.h>

5. Matsuura, K. (2000), Inaugural Speech by the Director-General of UNESCO at the First International Meeting of Directors of Peace Research and Training Institutions, What Agenda for Human Security in the Twenty-first Century? UNESCO Headquarters, Paris. 27-28 November 2000. p.12. Available at: <http://www.unesco.org/securipax/whatagenda.pdf>, P.12.

مفهوم امنیت انسانی شامل تمام جنبه‌های حقوق بشری است از جمله: رفع نیازهای اساسی، خواسته‌های سیاسی، آزادی، اجتماعی، رهایی از ترس و رهایی از فقر به‌طور همزمان. همراه با این تغییر مفهوم امنیت است که دیگر دولت‌ها تنها مرجع و موضوع اصلی امنیت نمی‌باشند، بلکه منافع مردم و بشریت به‌عنوان یک حق جمعی در هسته اصلی و مرکزیت امنیت قرار می‌گیرد. در این رویکرد امنیت همه‌جانبه می‌شود، وضعیتی که در آن شهروندان در صلح و آزادی و امنیت زندگی می‌کنند و مشارکت کامل در روند حکومت دارند. دسترسی به منابع و ضروریات اولیه زندگی از جمله بهداشت و آموزش و پرورش و ریشه‌کن شدن فقر، از اهداف آن می‌باشد.^۱ امنیت انسانی در پی آن است که با قرار دادن فرد انسانی در مرکز دغدغه‌های امنیتی، در نحوه تأمین امنیت تغییراتی ایجاد نماید. برای فهم این ایده و تبعات آن باید به بحث‌های گسترده‌ای که در خصوص مفهوم امنیت مطرح شده است رجوع کرد. نقطه آغاز این بحث‌ها، همان چیزی است که مفهوم «ستتی» امنیت نامیده می‌شود و مقصود از آن هم دیدگاه رئالیستی در رابطه با مفهوم امنیت ملی است. در این دیدگاه، دولت‌ها بازیگران مسلط در نظام بین‌المللی هستند که برای بقای خویش به دنبال افزایش قدرت خود می‌باشند. مفهوم امنیتی که از این دیدگاه ناشی می‌شود دولت را به‌عنوان موضوع اصلی و یا تنها موضوع امنیت در نظر می‌گیرد.^۲

اما تعیین این‌که دولت تا چه اندازه امنیت خود را به‌عنوان هدف ذاتی تلقی می‌کند و حتی به بهای زیان شهروندان خویش امنیت خویش را تأمین می‌کند یکی از چالشی‌ترین مسائل است. در نتیجه برخی مدعی شده‌اند که فرد و نه دولت را باید به‌عنوان هدف اصلی و اولیه امنیت تلقی نماییم. در این دیدگاه اگرچه دولت نقش مهمی در جهت تأمین امنیت دارد، اما وی را باید به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت و نه موضوع امنیت تلقی نماییم. برخی از تحلیلگران این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا در فضایی که دولت‌ها اغلب امنیت شهروندان خویش را تأمین نمی‌نمایند، درست است که همچنان دولت‌ها را موضوع اصلی مطالعات امنیتی بدانیم؟ درواقع امنیت انسانی خواستار تغییر توجهات از نگرش دولت‌محور به انسان‌محور در رویکردهای امنیتی است.

1. Fukuda, Parr, S. & Messineo, C. (2012), Human Security: A Critical Review of the literature, Centre for Research on Peace and Development (CRPD) Working Paper, No. 11, Available at: <http://www.kuleuven.be/crpd> PP. 2,3.

۲. تیگروثروم، باربارافن (۱۳۸۹)، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه: اردشیر امیر ارجمند، تهران: انتشارات مجد، ص ۱۰.

گفتار اول: امنیت انسانی از دیدگاه برنامه توسعه ملل متحد

اولین اقدام در تبیین صریح امنیت انسانی از سوی برنامه توسعه ملل متحد صورت گرفت. محبوب الحق مشاور ارشد برنامه توسعه ملل متحد و از واضعان اصلی شاخص‌های توسعه انسانی است.^۱ بسیاری مطرح می‌کنند که ایده امنیت انسانی در گزارش ۱۹۹۴ برنامه توسعه ملل متحد شکل گرفته است. در این گزارش امنیت انسانی به معنای رهایی انسان‌ها از فشارهای روانی، تهدیداتی مثل گرسنگی، بیماری، سرکوب، اعم از این‌که در خانه یا محل کار یا جامعه، است.^۲ محبوب الحق، امنیت انسانی را به‌عنوان یک الگوی جدید امنیتی پیشنهاد می‌کند و اظهار می‌دارد که: «جهان در حال ورود به عصر جدید است که مفهوم امنیت در آن تغییر خواهد کرد. امنیت دیگر فقط امنیت سرزمینی و قلمرو یا خاک نیست، بلکه امنیت از طریق توسعه است نه از طریق سلاح».^۳ فهرستی از هفت ارزش ویژه امنیت انسانی می‌توان ارائه کرد که عبارت‌اند از: امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت سلامتی، امنیت زیست‌محیطی، امنیت فردی، امنیت جامعه و امنیت سیاسی. در رابطه با تهدیدات امنیت انسانی، به نظر می‌رسد به دو گروه از تهدیدها می‌توان اشاره کرد. گروه اول شامل تهدیدهایی است که بیشتر محلی یا منطقه‌ای است. این تهدیدها مختص جوامع یا مناطق معینی از جهان است و به نظر می‌رسد که بر اساس میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی و موقعیت جغرافیایی متفاوت است. گروه دوم تهدیدهایی هستند که ماهیت جهانی دارند. زیرا تهدیدهای درون کشورها به‌سرعت فرامرزی خواهند شد.

بر اساس این گزارش تهدیدهایی که بیشتر جنبه محلی دارند، در قالب هفت ارزش امنیت انسانی به‌خوبی قابل درک هستند. کمبود غذا، آب، مراقبت‌های اولیه بهداشتی و درمانی، بیماری‌های مسری، گسترش فقر، کمبود فرصت‌های شغلی، اشتغال ناپایدار نیازهای اساسی انسان را به مخاطره می‌اندازد. افزون بر این تهدیدهای

۱. باجپایی، کانتی (۱۳۸۴)، امنیت انسانی، مفهوم و سنجش، ترجمه: صابر شیانی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ص ۳۰.

2. United Nations Development Programme, (1994), Human Development Report, New York: Oxford University Press, p.23. and see: Human Development Center Human Development Report for South Asia 1999: The Crisis of Governance, Karachi: oxford university press 2000.

3. Mahbub, Ul Haq. (1994), New Imperatives of Human Security, RGICS paper No.17, Rajiv Gandhi Institute for Contemporary Studies (RGICS), Rajiv Gandhi Foundation, New Delhi, p.1

غیرمستقیم و فراگیر در جامعه، تهدیدهای دیگری نیز در سطح جهانی و بین‌المللی وجود دارند. ازجمله این تهدیدها، رشد جهانی جمعیت، مهاجرت‌ها، آسیب‌های زیست‌محیطی (تخریب لایه ازن، انتشار کربن، گرم شدن کره زمین) و الگوهای ناعادلانه مصرف در جهان را می‌توان نام برد. تهدیدهای حقوق بشر و عدم پابندی به حقوق بشر توسط دولت‌ها و حکومت‌ها گروه دیگر از تهدیدها را شامل می‌شود.^۱

برنامه توسعه ملل متحد معتقد است جهان روزبه‌روز به‌سوی همبستگی و تعامل بیشتر حرکت می‌کند و کشورها بیش‌ازپیش نفوذپذیرتر می‌شوند. کشورها در مسئله تهدیدهای امنیت انسانی باید به‌طور مشترک عمل کنند. آن‌ها باید از سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای غیردولتی و مشارکت‌های مردمی و همچنین سامانه‌های مدنی استفاده کنند. نهادهای بین‌المللی و مشارکت‌های داوطلبانه غیردولتی می‌توانند در کنار هم در پیشبرد هنجارهای رفتاری و اجرایی حوزه‌های مختلف امنیت انسانی مؤثر باشند. سازمان ملل و نهادهای مالی و اقتصادی باید در کانون این نهضت نوین نهادگرا قرار گیرند. بی‌تردید پشتیبانی کشورها از این نهادها، آن‌ها را بسیار توانمند خواهد کرد. تا زمانی که این نهادها در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت مؤثر و مفید داشته باشند از حمایت کشورهای عضو بهره‌مند خواهند بود. نهادهایی که بیشتر دموکراتیک و فراگیر باشند، مقبولیت بیشتری خواهند داشت و به همین دلیل درنهایت کارآمدتر خواهند بود.^۲

صرف‌نظر از اختلاف‌نظرها بین دیدگاه‌ها و استدلال‌های دولت‌محور و انسان‌محور، واقعیت آن است که نظریه‌پردازان مختلف امنیت انسانی در مورد مفهوم آن به‌شدت باهم اختلاف‌نظر دارند. لذا به بررسی این دیدگاه‌ها و تفاسیر مختلف می‌پردازیم.

گفتار دوم: تفاسیر مختلف از مفهوم امنیت انسانی

اگرچه، همه طرفداران امنیت انسانی موافق هستند که مردم محور اصلی آن محسوب می‌شوند، ولی در مورد نوع تهدیداتی که باید اولویت داده شوند و در رفع آن‌ها، اتفاق‌نظر ندارند.^۳ به‌طور خلاصه امنیت انسانی عبارت است از:

۱. باجپایی، کانتی (۱۳۸۴)، پیشین، ص ۶۶.

۲. همان، صص ۶۸، ۶۹.

3. Xavier, A. I. (2010), The European Union Crisis Management and the Making of a Common Strategic culture: What lies Beyond Human Security? Human Security Perspectives, Vol.7.Issue 1, PP.51,54.

۱. درک تهدیدات جدید ورای اشکال سنتی خشونت؛
 ۲. درک عوامل جدید تعیین‌کننده امنیت ورای حکومت (با تأکید بر افراد و جوامع)؛
 ۳. درک رابطه متقابل توسعه، حقوق بشر و امنیت.
- درواقع، دو روند مخالف هم در رابطه با رویکرد امنیت انسانی وجود دارد، رویکرد محدود و مضیق که تهدید سیاسی را در کانون بحث مفهوم امنیت انسانی قرار می‌دهد و دیگری رویکرد جامع یا موسع، که امنیت انسانی را تنها آزادی از ترس نمی‌داند بلکه آزادی از نیازمندی را نیز مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین مناقشه درزمینه اولویت‌بخشی به تهدیدات، قائلین به امنیت انسانی را به دو نحله فکری با تفسیر مضیق و موسع از امنیت انسانی تقسیم می‌کند.

بند اول: تفسیر مضیق

همان‌طور که پیشتر ذکر گردید گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد، امنیت انسانی را واجد دو بعد یعنی امنیت از ترس و امنیت از نیاز می‌داند که در هفت زمینه مثل اقتصاد، غذا، بهداشت، مسائل شخصی، اجتماعی و سیاسی می‌توانند مورد تهدید قرار گیرند. دولت کانادا، این مفهوم از امنیت انسانی را نپذیرفت و تعریف برنامه توسعه ملل متحد را موردانتقاد قرار داد و اظهار داشت: این تعریف، بیش‌ازحد گسترده و مبهم است و مشکل‌تر از آن است که بتوان آن را در سیاست‌گذاری به‌کار برد. یکی از اسناد کلیدی مربوط به سیاست‌گذاری در کانادا با عنوان آزادی از ترس، امنیت انسانی را بدین نحو تعریف می‌کند «آزادی از تهدیدات فراگیر نسبت به حقوق، سلامتی یا جان افراد». اگرچه از این مفهوم نیز می‌توان برداشت گسترده‌ای داشت، اما موضع کانادایی‌ها در اینجا تمرکز بر خشونت، آن هم خشونت فیزیکی است و نه خشونت‌های وسیع‌تر و گسترده‌تر ساختاری^۱. به نظر می‌رسد که این تفاوت‌ها بیشتر ناشی از تفاوت در اولویت‌های سیاست‌گذاری باشند تا نفس تعریف مفهوم امنیت انسانی. مدافعان رهیافت

1. Canada, Department of Foreign Affairs and Trade, Freedom from Fear: Canadas Foreign Policy for Human Security (Ottawa, DFAIT, 2000), Available at: http://www.humansecurity.gc.ca/pdf/freedom_from_fear_en.pdf.

به نقل از: تیگروم، باربارفن، پیشین، ص ۳۹.

موسع نیز بر این باورند که تلاش برای تضییق مفهوم امنیت انسانی به مفهوم سنتی امنیت ملی بازمی‌گردد و با این کار، تحولی را که این مفهوم می‌تواند ایجاد نماید عقیم گذاشته و یا منحرف می‌کنند. لذا تهدیداتی را که برای بسیاری افراد، بیشترین اهمیت را دارند صرفاً به این دلیل که پرداختن به آن‌ها بسیار مشکل است نادیده می‌گیرند.^۱ بنابراین لازم است به‌طور اجمالی به مباحثی در رابطه با تفسیر موسع پردازیم.

بند دوم: تفسیر موسع

در تفسیر موسع استدلال می‌شود که امنیت انسانی معنایی فراتر از دل‌نگرانی از تهدید خشونت دارد. امنیت انسانی تنها آزادی از ترس و هراس نیست، بلکه آزادی از احتیاج نیز می‌باشد که نقطه تمرکز گزارش برنامه توسعه ملل متحد است. علاوه بر این، به اعتقاد بعضی، امنیت انسانی در شرایط توسعه‌نیافتگی، فراتر از آزادی از احتیاج می‌رود و آزادی‌ها و ارزش‌های دیگری را نیز در برمی‌گیرد. یک نمونه از تعریف موسع‌تر از امنیت انسانی، تعریفی است که الکایر^۲ ارائه داده است. وی که یکی از اعضای کمیسیون امنیت انسانی سال ۲۰۰۳، به ریاست مشترک آمارتیا سن^۳ و ساداکو اگاتا^۴ بود^۵ استدلال می‌کند: «هدف امنیت انسانی حفظ هسته ضروری حیات همه انسان‌ها در برابر تهدیدات شایع و حاد است به‌گونه‌ای که با رضایت و کرامت بلندمدت انسانی سازگار باشد». راهبردهای محافظت یا تحقق امنیت انسانی به دودسته حمایت و توانمندسازی تقسیم می‌شوند. در چارچوب حمایتی، عمدتاً به ایجاد شبکه‌های تأمین اجتماعی و تورهای ایمنی مبادرت می‌شود و تمهیدات قانونی برای به‌رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های فردی صورت می‌گیرد.

1. SN Mac Farlane and YE Khong, Human Security and the UN: A Critical History (Bloomington, Indiana University Press, 2006), at 245. And see: S Lodgaard, Human Security: Concept and Operationalisation, (Expert Seminar on Human Rights and Peace) (15 November 2000) UN Doc PD/HR/11.1. Available at: http://www.upeace.org/documents/resources/report_lodgaard.doc.

به نقل از: تیگرشتروم، باربارفن، پیشین، صص ۴۳، ۴۲.

2. Alkire

3. Amartya Sen

4. Sadako Ogata

۵. کر، پائولین (۱۳۸۷)، امنیت انسانی، ترجمه: سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۱، ص ۶۰۷.

به بیان دیگر، تأیید حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر در قوانین اساسی، بخشی از راهبرد حمایتی در چارچوب ایده امنیت انسانی است. توانمندسازی نیز واژه‌ای است که از نظریات و ایده‌های آمارتیاسن نظریه‌پرداز توسعه انسانی گرفته شده و به منزله راهبردی است که نتیجه آن بی‌نیازی افراد و جوامع از دولت‌ها برای تأمین نیازهای اساسی و اولیه‌شان است. مؤلفه کلیدی توانمندسازی، آموزش و پرورش و آگاهی بخشی به واسطه رسانه‌های آزاد است. درواقع، گسترش آموزش و پرورش است که می‌تواند انسان‌ها را توانمند کرده و موجب شود فرد جدیدی به زیرخط فقر سقوط نکند. همچنان که عنصر آگاهی نیز می‌تواند موجب واکنش نیرومند فرد به هنگام در خطر قرار گرفتن شأن و کرامت انسانی‌اش شود. «هسته حیاتی» نیز به این معنا می‌باشد که امنیت انسانی همه جنبه‌های ژرف، مهم و ضروری زندگی انسانی را پوشش نمی‌دهد. بلکه هسته حیاتی معدودی از فعالیت‌ها و قابلیت‌های انسانی را شناسایی و حراست می‌کند. این فعالیت‌ها و قابلیت‌ها ممکن است با عباراتی چون «حقوق بشر بنیادین، قابلیت‌های اولیه و نیازمندی‌های قطعی و مسلم» مشخص شود. حقوق و آزادی‌های مطرح و قابل پوشش در این هسته حیاتی با مقولاتی چون «بقا، امرار معاش، و شأن اولیه انسانی» مشخص می‌شود.

به عبارتی «هسته حیاتی» مبین آن است که امنیت انسانی اولاً جنبه‌های محدود و حیاتی زندگی انسانی را پوشش می‌دهد و نه همه آن‌ها را و در ثانی، بیشتر مفهومی سلبی است تا ایجابی و از این رو، نمایانگر وجه ممیزه امنیت انسانی از مفاهیمی چون «حقوق بشر و توسعه انسانی» است. در هر صورت، هسته حیاتی با سه عبارت «رهایی از نیاز، رهایی از هراس و کرامت انسانی» مشخص می‌شود و این سه، درواقع، محدوده امنیت انسانی را تعیین می‌کنند.^۱ مباحث مذکور اختلافات موجود بین نحله‌های مختلف فکری در تعریف و تفسیر امنیت انسانی را به نمایش می‌گذارد که سؤالاتی در زمینه قابلیت این مفهوم در به چالش کشیدن استدلال دولت‌محور غالب در مورد امنیت را مطرح می‌سازد.

۱. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۷)، «امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۱، صص ۵۴۷، ۵۴۸.

بند سوم: تلفیق دیدگاه‌ها

این بخش استدلال می‌کند که امکان پردازش چارچوب‌های تحلیلی و خط‌مشی‌گذار بر مبنای دو نحله مضیق و موسع وجود دارد که بیانگر پیوندها و ارتباطات مهمی بین آن‌ها می‌باشد. نقطه تأکید و تمرکز این چارچوب عبارت است از: «ناامنی انسانی به‌مثابه خشونت سیاسی، علل و عوامل ناامنی انسانی به‌مثابه خشونت سیاسی». بسیاری از علل و عوامل ناامنی انسانی به‌مثابه خشونت سیاسی، دربرگیرنده مسائل و مشکلات توسعه است که به‌عنوان متغیرهای مستقل هستند.

این مفهوم‌بندی چند امتیاز و مزیت تحلیلی دارد. اول این‌که پیوند بین دو مکتب امنیت انسانی کاملاً آشکار است. دوم این‌که، پیوندها و روابط علی می‌تواند چند متغیره و به‌هم وابسته باشد. برای مثال، تهدیدات «فقر و بیماری و حکمرانی ضعیف»، دو علت به‌هم پیوسته خشونت سیاسی هستند. سوم این‌که، علیت ممکن است به‌صورت پوش چرخه‌ای باشد. برای نمونه، فقر و حکمرانی ضعیف نه‌تنها می‌تواند باعث خشونت سیاسی شود، بلکه خشونت سیاسی نیز می‌تواند عامل و علت فقر و حکمرانی ضعیف گردد. چهارم این‌که، چون این چارچوب مفهومی، خشونت سیاسی و علل آن را شناسایی و بررسی می‌کند، مبنای درستی برای خط‌مشی سیاسی نیز فراهم می‌سازد. مهم‌تر آن‌که این چارچوب نشان می‌دهد مدیریت بحران خشونت، مستلزم و نیازمند اقدام فوری در قالب دیپلماسی و در صورت شکست آن، مداخله است. درعین حال و به‌طور همزمان، مدیریت خشونت مستلزم سازوکارهای پیش‌گیری از بحران در قالب دستور کار گسترده توسعه می‌باشد. مدیریت مناسب نیازمند سیاست‌هایی است که هم خشونت مورد تأکید نحله مضیق و هم توسعه مورد تأکید نحله موسع را موردتوجه قراردهد. این چارچوب مفهومی کمک می‌کند بسیاری از تنش‌ها و اختلافات موجود بین این دو مکتب فکری حل شود و ازاین‌رو، ممکن است بعضی منتقدین را قانع نماید.^۱

ارزش‌هایی که در حال جایگزینی بر مرکزیت دولت - ملت هستند، وجه فردی و جهانی دارند. در سطح فردی، این ارزش‌ها معطوف به نیازها و حقوق بشر هستند و در سطح جهانی ناظر به ارزش‌های فرا منطقه‌ای که میان همه انسان‌ها مشترک هستند: از